

## حوادث

سرویس حوادث ۸۸۹۸۴۳۵

# سردسته، باند سرقت را متلاشی کرد



عضو باند سرقت وقتی متوجه شد سردسته باند مجسمه‌های قیمتی را چند میلیارد تومان فروخته و پولش را به جیب زده است پلیس را از ماجرا آبا خبر کرد.

به گزارش جوان، چندی قبل به مأموران پلیس پایتخت خبر رسید سارقانی به خانهای در یکی از خیابان‌های شمالی تهران دستبرد زده و پس از سرقت میلیاردی از آنجا ریخته‌اند. صاحبخانه به مأموران گفت: خانه ما طبقه دوم ساختمان مسکونی در شمال تهران است. امشب همراه خانوادهم برای شام مهمان خانه یکی از بستگانم بودیم. وقتی به خانه برگشتیم همه وسایل برهم ریخته بود که حکایت از آن داشت سارقانی به خانه ما دستبرده زده‌اند.

بلافاصله به محل نگهداری پول ارز و طلاهایمان رفتیم که دیدیم سارقان همه اموال قیمتی ما را سرقت کرده‌اند. در بررسی‌های بعدی متوجه شدیم که در بالکن باز است و فهمیدیم که سارقان از طریق بالکن وارد خانه‌مان شده‌اند و الان مانده‌ایم که چطور آنها توانسته‌اند از دو طبقه بالا بیایند و در بالکن راباز کنند.

با شکایت صاحبخانه تیم ویژه‌ای از کار آگاهان پلیس آگاهی به دستسور باز پرس دادسرای ویژه سرقت برای شناسای سارقان وارد عمل شدند. هم‌زمان با ادامه تحقیقات درباره این حادثه چند شکایت دیگر هم به مأموران پلیس گزارش شد که نشان می‌داد سارقان اعضای باند حرفه‌ای هستند که وقتی متوجه می‌شوند کسی داخل خانه نیست از طریق بالکن وارد خانه می‌شوند و اموال قیمتی را سرقت می‌کنند.

■ **سارقی مثل شیخ**

یکی از شاکیان گفت: داخل خانه‌ام خواب بودم که صدای شبیه زنگ خانه شنیدم، اما فکر کردم در آن نیمه‌شب خواب دیده‌ام و به همین خاطر توجهی به آن نکردم و دوباره خوابیدم تا اینکه دقایقی بعد متوجه صدایی از بیرون ساختمان شدم. این بار بیاد شدم و از پنجره به بیرون نگاه کردم که چشم‌نامه به شیعی شبیه انسان افتاد که روی دیوار حرکت می‌کرد و ناگهان غیبش زد. فکر کردم در خواب و بیداری قرار دارم و چشمانم اشتباهی دیده‌است. دوباره به اتاق خواب رفتم و دیدم که لحظاتی بعد صدای باز شدن در خانه‌ام را شنیدم و به سرعت به داخل پندری آمدم. داخل پذیرایی با سه مرد نقیادار رویه‌رو بودم که مشخص بود سارق هستند. در حالی که من وحشت کرده‌ام، سارقان هم با دیدن من هراسان شدند که با داد و فریاد در خواست کمک کردم و سارقان هم به شدت مرا کتک زدند و به سرعت از خانه‌ام فرار کردند که موضوع را به مأموران پلیس خبر دادم.

بعد از آن بود که فهمیدم آن شیخ یکی از سارقان بود که از طریق بالکن وارد خانه‌ام شده و در را روی سارقان دیگر باز کرده‌است.

# سردسته، باند سرقت را متلاشی کرد

برود و از طریق بالکن وارد خانه‌شود و در برابر اعضای باند باز کند.به همین خاطر وقتی فهمیدمن ورزشکار و جویای نام هستم برای من تله گذاشت و من در تله افتادم.

■ **چطور؟**

من به یکی از باشگاه‌های مشهور می‌رفتم و در آنجا تمرین می‌کردم و گاهی هم با دوستانم در همان نزدیکی داخل پارکی حرکات پارک‌وانجام می‌دادم که شیره مراد دیده بود و همانجا تصمیم گرفته بود مرا در تله بیندازد. آن روز لعنتی وقتی از باشگاه بیرون آمدم و سوار خودروام شدم داخل خیابان با خودروی زن جوانی (شهره) آینه به آینه شدم. البته زن جوان مقصد بود که از من خواست تلغن همراهم را به او بدهم تا هماهنگ کند خسارت ماشین مرا بپردازد. او خودش را شهره معرفی کرد و بعد از یکی شرکت‌است و شوهر هم ندارد. او به من ابراز علاقه کرد و پس از اینکه چند باری با او به مهمانی رفتم متوجه شدم که در دام اعتیاد گرفتار شده‌ام. بعد از آن بود که ناخواسته وارد باند سارقان شدم تازه متوجه شدم شهره رئیس باند‌است و مرا قریب داده است، اما من معناد شده بودم و آلوده به کارهای خلاف که دیگر کاری از دستم ساخته نبود.

■ **درباره شگرد سرقت‌ها توضیح بده.**

ماشون نفر بودیم که معمولاً چهار نفری برای سرقت می‌رفتیم. البته شهره همه برنامه‌ریزی‌ها را انجام و دستورات را به ما ششش نفر می‌داد و خودش به سرقت نمی‌آمد. ابتدا محل سرقت مشخص می‌شد و بعد ما به محل می‌رفتیم و وقتی متوجه می‌شدیم کسی داخل خانه نیست یکی از ما داخل خودرو زاغ‌زنی می‌کرد و من در چند دقیقه‌ خودم را به بالکن می‌رساندم و پس از اینکه در راباز می‌کردم و نفر دیگر وارد می‌شدند و اموال را سرقت می‌کردند و در آخر هم اموال سرقتی را برای تقسیم به شهره تحویل می‌دادیم.

■ **در سرقت‌ها با صاحبخانه هم روبه‌رو می‌شدید؟**

بله، در چند مورد که زنگ زدم صاحبخانه خواب بود و متوجه نمی‌شد، اما وقتی وارد خانه می‌شدیم متوجه ما می‌شد که مجبور بودیم برای فرار او را کتک‌زنیم.

■ **چه شد که همدست شما، باند را الوداد؟**
شهره همیشه سر ما کلاه می‌گذاشت و پول کمی به ما می‌داد، ما همم متوجه نمی‌شدیم تا اینکه پسر جوانی عضو باند ما شد. یک‌بار که چند مجسمه عتیقه سرقت کرده بودیم شهره گفت مجسمه‌ها تقلبی هستند و کسی بابت آنها پولی نداده‌است. عضو جدید باند که پسر زیرکی است متوجه شد شهره آنها را به قیمت بالایی فروخته‌است و همین موضوع باعث درگیری آنها شد و شهره او را از باند اخراج کرد و او هم به اداره پلیس رفته بود و ما را لو داده بود.

■ **سرقت مجسمه‌های عتیقه**
یکی دیگر از شاکیان هم گفت: همراه خانوادهم به مسافرت رفته‌بودم تا اینکه پس از چندروز به تهران برگشتم و متوجه شدم اموال قیمتی‌ام سرقت شده‌است. سارقان از طریق بالکن وارد خانه‌ام شده‌بودند و علاوه بر طلاها، اموال قیمتی، تعدادی مجسمه عتیقه را نیزقیمت هم کرده‌بودند.

■ **زن جوان سر دسته باند**

بررسی‌های مأموران پلیس نشان داد سارقان در تمامی سرقت‌های سریالی خود نقاب به صورت دارند و هیچ‌رادی هم از خود به جای نگذاشته‌اند. در حالی که هر چند روز یکبار به تعداد شاکیان افزوده می‌شد پسر جوانی به اداره پلیس رفت و راز باند سارقان منزل را بر ملا کرد.

وی گفت: مدتی قبل باز جوانی به نام شهره در یک مهمانی آشناشدم که قرار بود خیلی زود مرا بولداز کند و به همین خاطر وارد باند سرقت شدم، اما در اولین سرقت‌متوجه‌شدم شهره بر اعضای باند کلاه می‌گذازد که تصمیم گرفتم باند آنها را لو بدهم.

بررسی‌های مأموران نشان داد باندی که شهره تشکیل داده همان باند سارقان خانه‌های شمال تهران‌است که دست به سرقت‌های سریالی می‌زنند. سپس مأموران پلیس شهره و وشش عضو



## متهم: برای نجات فرزندم برادرم را کشتم

مرد میانسالی که در درگیری برادر بیمارش را به قتل رسانده بود در دادگاه مدعی شد که مقتول قصد داشته پسرش را خفه کند به همین خاطر دست به چاقو برده و برادرش را به قتل رسانده‌است.

به گزارش جوان، زمستان سال گذشته مأموران پلیس پایتخت از مرگ مشکوک یک پسر جوانی در یکی از بیمارستان‌های شهر باخبر و راهی محل شدند. جسد متعلق به حمید ۲۰ساله بود که در جریان درگیری با برادرش بر اثر ضربات چاقو زخمی شده و بعد از انتقال به بیمارستان به خاطر شدت خونریزی‌ها فوت کرده بود.

با انتقال جسد به پزشکی قانونی، پرونده با موضوع قتل عمد تشکیل شد و برادر حمید به عنوان عامل قتل بازداشت شد.

■ **اقرار به قتل برادر**

یعقوب ۴۵ساله به پلیس آگاهی منتقل شد و تحت بازجویی قرار گرفت. او در همان بازجویی‌های اولیه با اقرار به جرمش گفت: «برادرم مشکل روحی و روانی از همان دوران کودکی و بیماری مغز و اعصاب داشتم. مقتول همیشه با رفتارهایش خیلی ما را ذیت می‌کرد تا اینکه آخرین بار به خانه‌ام آمد و با من درگیر شد. در آن درگیری پسرم و دوستش برای هواخواهی از من وارد درگیری شدند. برادرم دستانش را روی گردن پسرم قرار داده بود و قصد داشت او را خفه کند که با دیدن آن صحنه عصبانی شدم و کنترلر م را از دست دادم و با چاقوی آشپزخانه سه ضربه به او زدم.»

با اعتراف قاتل و بعد از بازسازی صحنه جرم وی راهی زندان شد و پرونده در حال کامل شدن بود که اولیای دم به دادسرا رفتند و اعلام گذشت کردند. به این ترتیب پرونده با صدور کیفرخواست از جنبه عمومی جرم به دادگاه کیفری یک استان تهران ارفه‌استاده شد و بعد از تعیین شعبه در وقت رسیدگی می‌قابل هیئت قضایی شعبه‌دوم دادگاه کیفری یک استان تهران قرار گرفت.

■ **جلسه محاکمه**

اولین جلسه در همان شعبه تشکیل شد. ابتدای جلسه نماینده دادستان متن کیفرخواست را قرائت کرد. در ادامه متهم از جنبه عمومی جرم مقابل هیئت قضایی دادگاه قرار گرفت و با اقرار به جرمش در شرح ماجرا گفت: «ماهشت خواهر و برادر بودیم و پدرمان با ساختی زندگی‌مان را اداره می‌کرد. حمید هنگام تولد دچار عارضه مغزی شده بود و مشکلات روحی و روانی زیادی داشت. مادرمان وقتی باردار بود نمی‌دانست دو قلو باردار است تا اینکه وقت زایمان رسید و بعد از سه روز متوجه شدم که در شکم مادرم هست. این شد که حمید با تأخیر به دنیا آمد و در آن زایمان برده گوش او پاره شد و به مغزش آسیب جدی رسید. همین باعث شد او از نظر روحی مشکل پیدا کند و ما را هم با مشکلات زیادی روبه‌رو کند.»

متهم ادامه داد: «حمید به مدرسه رفت ولی نتوانست درش را ادامه بدهد از طرفی کار کردن هم برایش مشکل بود و به همین دلیل گرفتار دوستان ناباب شد. او علاوه بر ارتباط با دوستان خلاقکار همیشه مشروب می‌خورد و مست می‌کرد و با زنان مشکل دار هم رابطه داشت.»

متهم ادامه داد: «راننده تاکسی بودم که به خاطر مشکلات خانوادگی گرفتار اعتیاد شدم. چند بار به کمک رفتم تا اعتیادم را ترک کنم، اما در آنجا به خاطر درگیری دچار نقص عضو شدم. پس از این مثل قاتل توان کار کردن نداشته و بیشتر در خانه استراحت می‌کردم.»

مرد میانسال در خصوص درگیری با برادرش در روز حادثه گفت: «خانه پدرم در منطقه‌ای بود که در آنجا سردان و زنان فاسدی رفت و آمد داشتند. برادرم تحت تأثیر حرف‌های دوستانش گرفتار آنها شده‌بود به همین خاطر آبروی خانواده ما را در آن محله برده بود. او مدام مشروب می‌خورد و شروع به عریهه کشی می‌کرد. هر بار هم با او صحبت می‌کردم فایده نداشت و گوشش به نصیحت ما بدهکار نبود. روز حادثه حمید به خانه‌مان آمد و یک شیشه مشروب دستش بود. در اتاقی که دراز کشیده بودم پسرم و دوستش نیز نشسته بودند. به حمید گفتم جلوی پسرم این کار را نکن. وقتی حرف‌هایم را تکرار کردم او عصبانی شد و به طرف من حمله کرد. او گرم را گرفت و می‌خواست مرا خفه کند که همان موقع پسرم و دوستانه به هواخواهی از من وارد درگیری شدند. پسرم حمید را گرفت و از خانه بیرون برد. من هم از آنجا بیرون رفتم که فهمیدم این‌ها در پارکینگ با هم درگیر شده‌اند. بلافاصله به پارکینگ رفتم که دیدم با هم در حال کتک‌کاری هستند. لحظاتی بعد برادرم که خیلی عصبانی بود گلولی دسرم را گرفت و قصد داشت او را خفه کند. با دیدن این صحنه کنترل اعصابم را از دست دادم و همان موقع به آشپزخانه رفتم و یک چاقو برداشتم و به پارکینگ رفتم. آن لحظه به هیچ چیزی جز نجات پسرم فکر نمی‌کردم که با چاقو سه ضربه به برادرم زدم و او خونین روی زمین افتاد.»

متهم در حالی که سرش پایین بود، گفت: «از قبل هیچ نقشه‌ای برای کشتن برادرم نداشتم، اما در شرایطی قرار گرفتم که جان پسرم در خطر بود. باور کنید هر فرد دیگری هم آنجا بود از جان فرزندش دفاع می‌کرد. آنقدر برادرم ما را اذیت کرده بود که انگار آن ضربات با دستن خودم نبود و یک نفر دستور می‌داد چاقو را بالا و پایین ببرم. اختیاری از من گرفته شده بود و نمی‌توانستم درست تصمیم بگیرم. صدای دوستان برادرم که او را به فساد کشانده و ما را بدبخت کرده بودند در گوشم شنیده می‌شد، اما بعد از آنکه برادرم را خونین روی زمین دیدم پشیمان شدم و بلافاصله با اورژانس تماس گرفتم و خودم را به پلیس معرفی کردم.»

متهم در آخر گفت: «بعد از این حادثه حالت عادی ندارم و وقتی به من گفتند که باید به دادگاه بیایم و از خودم دفاع کنم هر چه فکر کردم دیدم حرفی برای دفاع ندارم. من سوان ندارم و نمی‌توانم از خودم دفاع کنم به همین خاطر در یک کاغذ دفاعیاتم را که کمک دوستانم نوشته‌ام که می‌خواهم تحویل دادگاه بدهم. فقط این را بگویم که پشیمانم و تقاضای بخشش دارم.»

در پایان هیئت قضایی بعد از تحویل دست‌نوشته متهم جهت صدور رأی او را شرف صدور

سارق حرفه‌ای که به شی‌سوهای خاص دست به سرقت‌های سریالی خودروهای مدل بالا می‌زد در دام مأموران پلیس گرفتار شد.

به گزارش جوان، ۹ خردادماه‌اسال، مردی با مراجعه به اداره پلیس مأموران را از سرقت خودرواش باخبر کرد و در توضیح

ماجرا گفت: «ساعتی قبل برای خرید سه فروشگاهی واقع در تهرانپارس رفتم و بعد از خرید از فروشگاه‌می خواستم سوار خودروم شوم که فردی ناشناس نزدیک شد و سراسیمه گفت فردی با خودروم تصادف و فرار کرده‌است. خودروم مثل بالا بود به همین دلیل برای بررسی آن پیاده شدم که همان موقع فرد ناشناس سوار خودروام شد و آن را سرقت کرد.»

با طرح این خبر در پرونده در اختیار کار آگاهان پایگاه‌چهارم پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار گرفت و تحقیقات در این زمینه آغاز شد. کار آگاهان در اولین گام



### سارق خودروهای مدل بالا به دام افتاد

از تحقیقات و رصد دوربین‌های مدار بسته توانستند چهره سارق فراری به نام کریم را شناسایی کنند. با شناسایی متهم مأموران در شاخه دیگر از تحقیقات موفق به شناسایی مخفیگاه وی در شرق تهران شدند تا اینکه کار آگاهان بعد از هماهنگی با مراجع قضایی موفق شدند سرور بعد از سرقت متهم را در مخفیگاهش بازداشت کنند

سرهنگ کار آگاه سعید مجیدی، رئیس پایگاه چهارم پلیس آگاهی تهران بزرگ درباره این خبر گفت: «با انتقال متهم به پلیس آگاهی، وی در روند بازجویی‌ها به سرقت خودروی شاکلی و پنج فقره سرقت خودروهای مدل بالا اعتراف کرد. متهم در اظهاراتش مدعی شد همه خودروها را به همین شیوه سرقت کرده‌است و بعد از سرقت خودروها، تجهیزات بارزش آنها را باز کرده‌است. تحقیقات برای کشف سرقت‌های احتمالی دیگر از سوی متهم ادامه دارد.»

■ **گفت‌وگو با یکی از سارقان**

یکی از اعضای باند پسر ورزشکاری است که رئیس باند او را معناد و وارد باند خلافکاران کرده‌است. به گفته خودش در بین دوستانش به سهیل عنکبوتی معروف است، چون از دیوار راست بالا می‌رود و همین موضوع باعث شده‌بود که شهره برای او تله بگذارد و او را گرفتار کند.

■ **سهیل ورزشکاری؟**

بله، من از دوران کودکی رزمی‌استیک کار می‌کردم تا اینکه به ورزش پارک‌و علاقه پیدا کردم و آن را به صورت حرفه‌ای ادامه دادم. همیشه دوستان مهمانی آشناشدم که قرار بود چند روز مرا بولداز کند و به همین خاطر وارد باند سرقت شدم، اما در اولین سرقت‌متوجه‌شدم شهره بر اعضای باند کلاه می‌گذازد که تصمیم گرفتم باند آنها را لو بدهم.

بررسی‌های مأموران نشان داد باندی که شهره تشکیل داده همان باند سارقان خانه‌های شمال تهران‌است که دست به سرقت‌های سریالی

می‌زنند. سپس مأموران پلیس شهره و وشش عضو



### ۲کشته و ۲مجروح

### در حادثه رانندگی در محور چمن بید

برخورد یک دستگاه خودروی سمنند با یک دستگاه پراید در محور چمن بید استان خراسان شمالی دو کشته و ۲مجروح بر جای گذاشت.

به گزارش جوان، سرسرهنگ محمدرضا قهرمان نژاد سرپرست پلیس‌راه استان خراسان شمالی با اعلام این خبر گفت: بامداد دیروز مأموران پلیس راه از تصادف بین یک دستگاه سمنند و خودروی پراید

### کبوتر جان مردمیانسال را گرفت

مرد ۴۸ساله‌ای در شهرستان ساوجبلاغ، وقتی می‌خواست کبوتری را روی چراغ برق بگیرد دچار برق گرفتگی شد و جان باخت. به گزارش جوان، سرهنگ علی سلیمانی، فرمانده انتظامی شهرستان ساوجبلاغ درباره این حادثه گفت: در پی اعلام مرکز فوریت‌های پلیس ۱۱۰ مبنی بر یک فقره برق گرفتگی در شهرک کردان بخش چندار شهرستان ساوجبلاغ، بلافاصله مأموران انتظامی به محل حادثه اعزام شدند.

وی افزود: با بررسی‌های صورت گرفته مشخص شد، مرد ۴۸ساله‌ای که برای گرفتن یک کبوتر از تیر چراغ برق بالا رفته بود بر اثر تماس با سیم برق، دچار برق گرفتگی شده و جان خود را از دست داده‌است.

جسد مرد فوت شده با تشکیل پرونده برای بررسی‌های لازم به پزشکی قانونی انتقال داده شد.



### تصادف مرگبار

### موتور سیکلت با تاکسی

تصادف یک دستگاه موتور سیکلت در ایستگاه بی آر تی شهید مدنی تهران با خودروی تاکسی مرگ راکب موتورسیکلت را بر دی داشت. به گزارش جوان، ظهر روز جمعه ۲۸ خرداد مأموران پلیس تهران از برخورد یک دستگاه موتور سیکلت با یک دستگاه خودروی تاکسی در ایستگاه بی آر تی شهید مدنی با خبر و راهی محل شدند. اولین بررسی‌ها نشان داد، موتورسیکلت با ورود با خط ویژه در ایستگاه بی آر تی شهید مدنی در بزگراه امام‌علی با یک دستگاه خودروی تاکسی برخورد کرده که در اثر این حادثه راکب موتور سیکلت به خاطر شدت ضربه وارده در دم جان باخته‌است.

سرهنگ احسان مؤمنی، رئیس اداره تصادفات پلیس راهور گفت: «کارشناسان، علت حادثه را حرکت موتور سبیکلت در مسیر خلاف جهت و سرعت بالای خودروی تاکسی اعلام کردند.»



## سارقان دو چرخه دستگیر شدند

فرمانده انتظامی‌استان البرز از دستگیری سارقانی که ۴۸دو چرخه در شهرستان نظر آباد را سرقت کرده‌بودند خبر داد. به گزارش جوان، سردار عباسعلی محمدیان با اعلام این خبر گفت: چندی قبل تعدادی شهروند به کلاتری ۱۱ مرکزی آمدند و از سرقت دوچرخه‌هایشان شکایت کردند.

وی اظهار داشت: پس از این مأموران پلیس آگاهی دست به تحقیقات تخصصی زندگ که مشخص شد سارقان از غفلت شهروندان سوءاستفاده کرده و پس از ورود به پارکینگ مجتمع‌های مسکونی، دوچرخه‌هایی را که فاقد تجهیزات ایمنی هستند سرقت می‌کنند.

سردار محمدیان با اشاره به اینکه در تحقیقات میدانی از محل‌های سرقت مشخص شد که سرقت‌ها توسط دو سارق انجام شده‌است، توضیح داد: در نهایت مأموران پلیس در بررسی‌های فنی مخفیگاه سارقان که ساختمان متروک‌های در محدوده شهر بود، شناسایی و دوسارق را دستگیر کردند.

وی گفت: متهمان به ۴۸ فقره سرقت در شهرستان‌های نظر آباد، هشتگرد و شهر جدید هشتگرد اعتراف و اقرار کردند، اموال سرقتی را به پنج مالخر فروخته‌اند. پس از این کار آگاهان تمامی متهمان را دستگیر و از مخفیگاه آنها ۱۰ دستگاه دوچرخه سرقتی کشف کردند.

متهمان پس از تحقیقات تکمیلی برای سیر مراحل قانونی در اختیار مراجع قضایی قرار گرفتند.

### آگهی اعلام مفقودی

نظر به اینکه آقای حسین ربیعی دولت آبادی به استناد اوراق استشهادیه جهت دریافت سند مالکیت المثنی نوبست اول به این اداره مراجعه نموده و مدعی است سند مالکیت شش‌دانگ یک قطعه زمین به شماره پلاک ۱۷۵ فرعی از ۱۶۰- اصلی بخش نه مشهد، مفقود شده‌است. با بررسی دفتر املاک معلوم شد مالکیت نامبر ده ذیل شماره ۲۶۵ صفحه ۵۲۴ ثبت وسند مالکیت به شماره ۱۷۲۶۹۰۸۹ صادر گردیده‌است. دفتر املاک پیش از این حکایتی ندارد لذا به استناد ماده ۱۲۰اصلاحی قانون ثبت، مراتب یک نوبت آگهی و متذکر میگردد هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله ای انجام داده و یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود میباشد، بایستی ظرف مدت ده روز از تاریخ انتشار آگهی اعتراض کتبی خود را به پیوست اصل سند مالکیت یا سند معامله رسمی به این اداره تسلیم نماید. بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض در مهلت مقرر ویا وصول اعتراض بدون ارائه سند مالکیت یا سند معامله رسمی نسبت به صدور سند مالکیت المثنی و تسلیم آن به متقاضی اقدام خواهد شد.

**حمیدرضا افشار- ثبت اسناد و املاک ناحیه ۵ مشهد مقدس**

### آگهی اعلام مفقودی

نظر به اینکه شهر داری مشهد با نمایندگی آقای حسن امیدوار طبق وکالتنامه شماره ۰۶۸۲۰ و ۰۶۸۲۱ از مورخ ۱۳۸۶/۱۱/۲۹ و قوت وکالت شماره ۰۲۷-۰۵۸۶-۰۵۸۶-۱۴۰۰ مورخ ۱۳۸۶/۰۲/۱۹-۱۴۰۰ دفتر ۴۵ مشهد از خانم طاهره صاحبی به استناد اوراق استشهادیه جهت دریافت مالکیت المثنی نوبت اول به این اداره مراجعه نموده و مدعی است سند مالکیت شش‌دانگ یک باب منزل به شماره پلاک ۱۵۹۰ فرعی از ۱۸۸ اصلی بخش نه مشهد مفقود شده‌است. با بررسی دفتر املاک معلوم شد مالکیت ذیل دفتر شماره ۵۲۰ صفحه ۲۹۱ شش‌دانگ به نام نادر حمیدریو قالاچقی ثبت وسند مالکیت به شماره ۹۵۲۳۲۹ صادر وپس طی سند شماره ۱۷۲۵۰ مورخ ۱۳۴۲/۰۴/۲۳ دفتر ۵۰ مشهد به خانم مبین کوهی وعلی اکبر رضی سامی انتقال وپس از آن طی سند شماره ۲۱۰۰۹ مورخ ۱۳۶۷/۱۲/۲۲ دفتر ۵۰ مشهد به آقای کاظم اربابی بزدی انتقال وپس براب سند شماره ۹۲۱۸۲ مورخ ۱۳۷۱/۱۶/۱۸ دفتر ۷ مشهد بنام فاطمه و ملیحه و محمد وسعید ومنصوره و حمیدرضا شهرک همگی اخلاقی و خانم طاهره صاحبی انتقال گردیده‌است. در حال حاضر احدی از مالکین (خانم طاهره صاحبی دارای میزان مالکیت ۱۶ سهم از ۱۷۲ سهم شش‌دانگ) در خواست صدور سند المثنی برای پلاک خود را نموده‌است. دفتر املاک پیش از این حکایتی ندارد. لذا به استناد ماده ۱۲۰اصلاحی قانون ثبت، مراتب یک نوبت آگهی و متذکر میگردد هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله ای انجام داده و یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود میباشد، بایستی ظرف مدت ده روز از تاریخ انتشار آگهی اعتراض کتبی خود را به پیوست اصل سند مالکیت یا سند معامله رسمی به این اداره تسلیم نماید. بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض در مهلت مقرر ویا وصول اعتراض بدون ارائه سند مالکیت یا سند معامله رسمی نسبت به صدور سند مالکیت المثنی و تسلیم آن به متقاضی اقدام خواهد شد.

**حمیدرضا افشار- ثبت اسناد و املاک ناحیه ۵ مشهد مقدس**